

## آزادی در حوزه اجتماع از دیدگاه امام خمینی

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

محبوبه قائمی طلب<sup>۱</sup>

### چکیده

آزادی موضوع و مقوله مهمی است که همواره حساسیت برانگیز بوده است. در ایران نیز به ویژه بعد از سقوط رژیم شاه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، بحث‌ها و نظریات مختلفی پیرامون آن شکل گرفته است. امام خمینی (ره) در دوران عمر پربرکت خویش، همواره در کسوت فردی آگاه، ناظر بر سیر تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان فعالیت در حوزه اجتماعی را آزاد اعلام کردند؛ مشروط بر آنکه این فعالیت‌ها به زیان مردم، مملکت و اسلام نباشد. در این نوشتار، سعی شده است که با استفاده از بیانات و دیدگاه‌های حضرت امام، حدود این آزادی مشخص شده و نشان داده شود که امام (ره) با فعالیت‌های آزادی‌منشانه مخالفتی نداشته‌اند؛ به شرطی که این فعالیت‌ها در چارچوب نظام و مبتنی بر ولایت فقیه باشد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

## مقدمه

یکی از شعارهای مهم انقلاب اسلامی، شعار آزادی بود و اصولاً خفقان و سرکوب آزادی‌ها در دوران پهلوی را یکی از انگیزه‌های مهم خیزش مردمی علیه آن می‌توان ذکر کرد. (پوراحمدی و فوزی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۱)

با پیروزی انقلاب اسلامی و از بین رفتن قدرت سرکوب نظام پیشین، آزادی‌های فردی و اجتماعی گسترده‌ای در کشور فراهم آمد. به طوری که در سه ماه اول انقلاب حدود ۲۲۲ مجله و روزنامه منتشر شد و گروه‌های متعدد سیاسی مارکسیست، لیبرال، محافظه کار و اسلامی به فعالیت در فضای سیاسی کشور ادامه می‌دادند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴)

امام خمینی یکی از پرفروغ‌ترین چهره‌های مبارزات آزادی خواهانه است که در زمان ما پا به عرصه نهاد. او مبارزات مردم ایران را در برابر رژیم شاهنشاهی - که ماهیتی ضد آزادی اندیشه و انتخاب داشت - بر پایه‌های تفکر دینی هدایت و رهبری کرد، و بر همین اساس بود که پس از سقوط رژیم استبدادی و وابسته پهلوی بی‌درنگ از مردم خواست که آزادانه نظام مورد قبول خود را انتخاب کنند و جمهوری اسلامی را بر پایه آراء آزادانه مردم ایران استوار ساخت. (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۶)

## آزادی به عنوان حقوق فطری بشر

امام خمینی در مصاحبه‌های متعدد خود، بر لزوم حفظ آزادی‌های اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کرد و معتقد بود که حاکمیت اسلام، آزادی را به دنبال خواهد آورد. (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۶۲)

امام خمینی آزادی را حقوق اولیه بشر می‌دانست (همان، ج ۴، ص ۱۲۳). او معتقد بود: «حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرفم آزاد باشد.» (همان، ج ۳، ص ۵۱۰)

ایشان آزادی را امری خدادادی می‌دانستند و معتقد بودند: آزادی اعطا شدنی نیست، بلکه حق مردم است و از سوی خدا برای مردم وضع شده است (همان، ج ۳، ص ۴۰۶). ایشان معتقد بودند که حیات و ارزش زندگی به آزادی انسان‌ها مربوط است: اول چیزی که برای انسان است، آزادی در بیان و آزادی در تعیین سرنوشت است (همان، ج ۵، ص ۲۴۳)، و می‌فرمودند: «قانون این است، عقل این است، حقوق بشر این است که سرنوشت هر آدمی به دست خودش باشد، هر ملتی سرنوشتش به دست خودش باشد.» (همان، ج ۵، ص ۵۰۸).

«انسان به حسب فطرت، عاشق حریت و آزادی است که هر چه بخواهد بکند، حتی اراده او نیز نافذ باشد؛ به طوری که در مقابل سلطنت و قدرت او مدافع و مزاحمی نباشد. و معلوم است که در این عالم، همچو قدرت و نفوذ اراده یافت نشود، لاف‌طلب این عالم تعصی دارند که تحت اراده انسان باشند - چنانچه واضح است - و این طور سلطنت جز در عالم مابعدالطبیعه - که بهشت اهل طاعت است - یافت نشود.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۲-۱۰۳)

ایشان منظور از وجود اسلام را اعطاء ابعاد واقعی و شأن انسانی به افراد می‌دانند و می‌فرمایند: «اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی اعطا کند؛ یعنی انسان را از نظر زندگی

اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد. اسلام قادر به ایجاد چنین تحولی هست. قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید؛ این قوانین بسیار صریح و روشن هستند. اسلام روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه، طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است... یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۲) جامعه ایده‌آل در نظر امام این‌گونه ترسیم می‌شود: «جامعه آینده ما جامعه آزادی خواهد بود و همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت» (همان، ص ۳۵۹)؛ «دموکراسی این است که مردم آزاد باشند در این آراء خودشان، در [انتخاب] و کلاء خودشان که به مجلس بفرستند، سرنوشت یک مملکتی به دست وکلا و این‌ها هست و باید خود مردم سرنوشت‌شان در دست خودشان باشد. (همان، ص ۷۲) ایشان آزادی را متعلق به دوران جدید و یک ارزش غربی نمی‌دانند؛ بلکه آن را مطابق فطرت آدمی دانسته، معتقد است که پیامبر اکرم (ص) بنیانگذار آزادی بوده است. (همان، ص ۱۰۰)

از آن‌جا که امام معتقد به هماهنگی بین فطرت آدمی و دستورهای شریعت بود، لذا اعتقاد داشت که تعالیم دینی می‌تواند راهبر خوبی در فهم فطرت انسان و هدایت محدوده آزادی باشند. این‌که وی آزادی را برخاسته از فطرت الهی انسان می‌دانست با دیدگاه غربی که آن را ناشی از طبیعت حیوانی آدمی ذکر می‌کرد، پیامدهای متفاوتی دارد که از جمله موجب می‌شد که امام آزادی را در چارچوب قوانین الهی که به نظر وی همان قوانین تکاملی انسان است، بداند. (پوراحمدی و فوزی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵)

### حدود آزادی و انتقاد

محدودیت‌های مورد نظر امام به طور عمده در دو دسته محدودیت خلاصه می‌شد که یک‌سری از این محدودیت‌ها را در هر جامعه‌ای می‌توان دید و آن محدودیت‌هایی است که ناظر بر مصالح جامعه، مردم و حفظ ثبات نظام سیاسی و اجتماعی است و دسته دوم، محدودیت‌هایی بود که منبعث از التزام حکومت و جامعه به دیانت اسلام است که تمایز اصلی دو مفهوم غربی آزادی و مفهوم اسلامی آن را معین می‌کند. وی در مورد آزادی‌های نوع اول می‌فرماید: آزادی باید منطقی و طبق قانون باشد» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۸۳). آزادی در هرج و مرج، کشتار، ضرب و جرح مردم و توطئه آزادی نیست، بلکه سلب آزادی است» (همان، ج ۸، ص ۲۷۴). ایشان علاوه بر این امور در مورد آزادی‌های نوع دوم معتقد است: ما آزادی را که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم. آزادی در پناه اسلام می‌خواهیم. وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد، وقتی قرآن و اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد. ممالک دیگر هم آزادی دارند، ما آن را نمی‌خواهیم» (همان، ج ۷، ص ۴۵۹-۴۶۰). «اسلام است که برای ما یک آزادی، یک آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می‌کند.» (همان، ج ۷، ص ۵۴۲). ایشان بی‌بندوباری، فساد اخلاقی، اختلاط نامشروع زنان و مردان و... را آزادی نمی‌دانند. این نگرش از آن‌جا ناشی می‌شود که وی آزادی را نه ناشی از حقوق طبیعی حیوانی - انسانی بلکه ناشی از حقوق فطری انسان می‌داند.

امام به آزادی تمام انسان‌ها اعتقاد داشتند و محدوده آزادی را هم در چارچوب قانون یک کشور می‌دانستند. ایشان معتقد بودند تمامی افراد در جامعه باید التزام عملی به قانون داشته باشند، ولی می‌توانند در

آرا و نظرات خود مخالف باشند. بنابراین چون آزادی را برای همگان با هر عقیده‌ای لازم می‌دانستند، لذا آزادی مخالفان دینی و غیردینی نیز در تفکر ایشان معنا دارد. نکته قابل توجه در تفکر ایشان این است که آزادی را برای انسان‌ها تقسیم‌بندی نکرده‌اند و سخنی از ایشان نمی‌بینیم که برای آزادی‌های اجتماعی، اعتقاد به طبقه‌بندی انسان‌ها داشته باشند، بلکه برعکس همه جا ایشان آزادی را برای همگان می‌دانند و مرز آزادی‌ها را نیز برای همگان یکسان می‌دانند. (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۱۶)

همچنین فرموده‌اند: «باید تأکید کنم که همه در پیشگاه قضاوت اسلام مساوی بوده و نیز به همان اندازه که اغماض از مجرمین گناه بزرگی است، تعرض نسبت به بی‌گناهان از گناهان نابخشودنی است» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۴۵). ایشان در مورد حدود آزادی اجتماعات و گروه‌ها می‌فرمایند: «همه گروه‌ها در بیان عقاید خود آزادند، و لکن خیانت را اجازه نمی‌دهیم» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶۰).

ایشان در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی پائزه‌سرا به این نکته اشاره می‌کنند که: «هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است» (همان، ج ۴، ص ۲۶۶).

«این آزادی که الان برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده‌ها، این آزادی، آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزادید بیاید بیرون مطالبتان را بگویید، انتقاد از دولت بکنید انتقاد از هر کس که پایش را کج گذاشت بکنید، هیچ کس نیست که به شما بگوید چرا... تمام چیزهایی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها و این کودکان عزیز دخالت دارد، این‌ها همه آزاد هستند. آنی که اسلام جلوی او را گرفته و آزاد نیست قماربازی است که تباہ می‌کند ملت را، شرابخواری است که تباہ می‌کند ملت را، انواع فحشایی که در زمان این مرد جنایتکار بود و فراهم کرده بودند اسبابش را، این‌هاست که در اسلام ممنوع است» (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۸).

ایشان معتقد بودند که انتقاد نباید عامل انحراف افکار جامعه باشد: «ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت‌ها که همه مشکلات و نارسایی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیرمنصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند» (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۲-۲۸۳).

ایشان همچنین حد و مرز آزادی بیان و آزادی توطئه را از یکدیگر مشخص کرده و می‌فرمایند: «در مملکت ما آزادی اندیشه هست. آزادی قلم هست. آزادی بیان هست ولی آزادی توطئه و آزادی فسادکاری نیست. شما اگر توقع دارید که ما بگذاریم بر [علیه] ما توطئه کنند و مملکت ما را به هرج و مرج بکشند، به فساد بکشند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا همچو آزادی نیست... قضیه، قضیه آزادی توطئه است. این آزادی توطئه را هیچ‌کس، هیچ‌جا به هیچ‌کس نمی‌تواند بدهد» (همان، ج ۱۰، ص ۹۲).

«ما آزادی به همه مسالک و عقاید می‌دهیم، لکن اگر بخواهند شورش کنند و مسیر ملت را تغییر دهند، دست ظالم را نگه دارند، مجاز نخواهند بود. هر ملتی حق دارد منافع ملی و مذهب خود را حفظ کند از تعدیات آنها، اگر تعدی نکنند ما تعدی نمی‌کنیم» (همان، ج ۵، ص ۵۳۴).

### زنان و آزادی در جامعه اسلامی

امام خمینی در خصوص نقش زنان و آزادی آنها در نظام اسلامی دیدگاه‌های روشنگرانه‌ای را مطرح می‌نمودند. ایشان طی مصاحبه‌ای که با نشریه فرانسوی زمان لوموند داشتند موضع خود را راجع به آزادی زنان این‌گونه بیان می‌دارند: «در خصوص زنان، اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنان نبوده است» (همان، ج ۳، ص ۳۷۰)، به عکس اسلام با مفهوم زن شیء شده و به عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت وی را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است؛ زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند، اما رژیم شاه است که با غرق کردن آنها در امور خلاف اخلاق می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند و اسلام شدیداً معترض به این امر است. این رژیم آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پایمال ساخته است، زنان مانند مردان زندان‌های ایران را پر کرده‌اند و در این جاست که آزادی آنها در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است ما می‌خواهیم که زنان را از فسادی که آنها را تهدید می‌کند آزاد سازیم. (همان، ج ۳، ص ۳۷۰)

ایشان در مورد فعالیت زنان در جامعه می‌فرمایند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود، از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است» (همان، ج ۵، ص ۱۸۳). «تبلیغات سوء شاه و کسانی که با پول شاه خریده شده‌اند، چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشبه کرده‌اند که خیال می‌کنند فقط اسلام آمده است که زن را خانه‌نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن زن مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن چون مرد در تمام این‌ها آزاد است؛ زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد، اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز... احترام و آزادی‌ای که اسلام به زن داده است، هیچ قانونی و مکتبی نداده است» (همان، ج ۵، ص ۲۹۴).

امام خمینی درباره چگونگی پوشش و حجاب زن دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کردند: «زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند و تجربه کنونی فعالیت‌های ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می‌گوید یافته‌اند» (همان، ج ۴، ص ۲۴۷). «اجرای حدود در اسلام موقوف به تحقق شرایط و مقدمات بسیار است و باید جهات بسیاری را از روی کمال عدالت و توجه به این که اسلام در کلیت خود اجرا گردد در نظر گرفت. اگر این امور در نظر گرفته شوند، ملاحظه خواهد شد که مقررات اسلامی کمتر از هر مقررات دیگری خشونت‌آمیز است. زنان در

انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند و تجربه کنونی فعالیت‌های ضد رژیم شاه، نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می‌گوید یافته‌اند. ما با سینماهایی که برنامه‌های آن‌ها فاسدکننده اخلاق جوانان و مخرب فرهنگ اسلامی باشد مخالفیم اما با برنامه‌هایی که تربیت‌کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشد موافق هستیم» (همان، ج ۴، ص ۲۴۷).

همچنین در جایی دیگر اشاره دارند: «حجاب به معنای متداول میان ما که اسمش حجاب اسلامی است با آزادی مخالفتی ندارد. اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی روآورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند به اسلام پناهنده شده‌اند» (همان، ج ۵، ص ۵۴۱). «در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند» (همان، ج ۵، ص ۲۹۴).

ایشان با توجه به مبارزه با حجاب در کشورهای غربی و «به اصطلاح آزاد» تأکید می‌کردند: «احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌باشد گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته‌ایم کسی که به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پا برجا داشت.» (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۸)

## آزادی عقیده و بیان

امام خمینی (ره) حتی آزادی و وجود اختلاف در مسائل فقهی را پذیرفته و می‌فرمودند: «کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف‌نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آن‌جا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است، قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۶). ایشان اختلاف‌نظر فقها و متفکران را در جامعه کاملاً پذیرفته بودند و معتقد بودند که: «همیشه باید باب اجتهاد باز باشد، و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر، آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۷).

وقتی امام در رابطه با مسائل فقهی اختلاف نظر و سلیقه را پذیرا می‌باشند، پرواضح است که اختلاف نظر در رابطه با مسائل سیاسی و اجتماعی روز را هم کاملاً پذیرفته و اعتقاد به تکثرگرایی در اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی و ... دارند و آن را باعث رشد و تعالی جامعه می‌دانند و معتقدند اگر در جامعه‌ای اختلاف سلیقه وجود نداشته باشد آن جامعه، جامعه‌ای ناقص خواهد بود: «اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است، اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال، این‌ها باید باشد؛ لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم، باید دو دسته باشیم و در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم (همان، ج ۲۱، ص ۴۷).

ایشان همچنین از آزادی انتقاد نیز سخن گفته‌اند: شما امروز آزاد هستید، همه برادران و خواهران امروز آزادند و آزادانه از دولت انتقاد می‌کنند، از هر چیزی که بر خلاف مسیر ملت و اسلام باشد انتقاد می‌کنند، مسائل اساسی را از دولت تقاضا می‌کنند. این نهضت شما را آزاد کرد و از آن بندهایی که بر ملت بود نجات داد. الان آزادانه در این جا مجتمع هستید و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را طرح می‌کنید، شما، بانوان چند سال پیش از این نیستید. شما امروز خودتان در سرنوشت خودتان دخالت می‌کنید. خودتان مسائل سیاسی را طرح می‌کنید و از دولت می‌خواهید. این معنای آزادی است (همان، ج ۸، ص ۳۸۴).

ایشان معتقد بودند که: «انسان کامل آن است که اگر فهمید که حرفش حق است، با برهان اظهار کند و مطالبش را برهانی بفهماند. این که در قرآن کریم دارد که "لا اکراه فی الدین"، برای این که تحمیل عقاید نمی‌شود کرد (همان، ج ۱۴، ص ۹۳).

امام خمینی (ره) اختلاف سلیقه در جامعه را طبیعی دانسته و خاطر نشان می‌کردند: «البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد...» (همان، ج ۲۱، ص ۴۷).

ایشان همچنین فرموده‌اند: «اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب، اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو این که شکل عقیدتی به آن داده شود؛ چرا که همه در اصول با هم مشترکند» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۸). «اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم، با تفاهم مسائل را حل کنیم، نه این که جبهه‌گیری کنیم، یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش و یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. این‌ها برای این است که تعهد اسلامی نیست و دید سیاسی هم نیست» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۸-۴۹).

امام یکی از دلایل عمده ایجاد اختلاف در کشور را قانون‌شکنی ذکر می‌کردند و معتقد بودند: اگر همه اشخاص، گروه‌ها و نهادهای سرتاسر کشور به قانون خاضع شوند، هیچ اختلافی ایجاد نخواهد شد، بلکه اختلافات از راه قانون‌شکنی پیش می‌آید. باید در کشور قانون حکومت کند. چون اسلام هم برای برقراری قانون آمده و قانون برای همه می‌باشد. (همان، ج ۱۴، ص ۴۱۴)

### نتیجه‌گیری

آزادی در دیدگاه امام خمینی تنها به این موارد محدود نشده و مسائل وسیع‌تری را شامل می‌شود. بررسی برخورد ایشان با شاخص‌هایی همچون: آزادی‌های سیاسی - اجتماعی مانند وجود مطبوعات آزاد و رسانه‌های گروهی، وجود احزاب یا جناح‌های مختلف فکری، پذیرش آزادی اقلیت‌های قومی - مذهبی، عدم اجبار در اقداماتی نظیر رأی دادن، انتخاب نمایندگان و... قبول آزادی شغل، انتخاب محل سکونت، نوع زندگی و... به خوبی نشان می‌دهد که امام اصل آزادی را در زمینه مصالح جامعه و قانون و شریعت مورد حمایت جدی قرار می‌دهند.

مجموعه این مباحث آشکار می‌سازد که امام خمینی تلاش دارد، مفهوم آزادی را یک ارزش فطری که جزء حقوق اولیه اسلامی است در مقابل آنچه که به نظر وی تعریف آن، در غرب است، تأسیس کرده، مفهوم واقعی آزادی را بازسازی کند که آن همان آزادی ابعاد انسانی آدمی است که باید وی را برای رسیدن به مسیر تکاملی خود کمک کند، و این امر تنها در سایه دین مبین اسلام تحقق می‌یابد. «اسلام است که برای ما آزادی - یک آزادی سالم، آزادی صحیح - تأمین می‌کند» (همان، ج ۷، ص ۵۴۲).

Archive of SID



## منابع

- ۱) امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۲) امام، اسلام و...؛ انتشارات پیام آزادی، مرکز اسلامی تحقیقات و برنامه‌ریزی.
- ۳) پوراحمدی، حسین و فوزی، یحیی. ۱۳۸۳، گفتمان اصلاحات در ایران. سازمان بسیج اساتید. تهران.
- ۴) پهلوان، عاطفه، ۱۳۷۸، آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی (ره). نشر ذکر. تهران.
- ۵) جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (س). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران: ۱۳۷۸.
- ۶) صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ۱۳۸۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- ۷) روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۴.
- ۸) ف. مصباحی، ۱۳۸۳، آزادی: گزیده‌ای از کلام و اندیشه امام خمینی. مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی). تهران.
- ۹) شعاع‌حسینی، فرامرز و داستانی، علی، ۱۳۸۴، دغدغه‌ها و نگرانی‌های امام خمینی (س). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران.
- ۱۰) هاشمی تروجنی، محمد؛ احزاب و گروه‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.